

حمد بساط حضرت موجودیرا که وجود را موجود فرمود و عالم را بانوار اسم اعظم منور نمود ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۷۲

محبوب فؤاد حضرت امین جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه فرمایند

۱۵۲

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلی الأبهی

حمد بساط حضرت موجودیرا که وجود را موجود فرمود و عالم را بانوار اسم اعظم منور نمود در عالم معنی و معنی معنی و معنی معنی سرّی و مطلبی و کلمه‌ئی باقی نه مگر آنکه از قلم اعلایش جاری و ساری و ظاهر و هویدا جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم شأنه و لا اله غیره و الصلوة و السلام و التّکبیر و البهاء و الذّکر و الثّناء علی اولیائّه الذّین ما نقضوا عهدہ و میثاقه و قاموا علی خدمة امره العزیز البدیع

و بعد یا محبوبی این نامه ششم است که ارسال میشود دستخطهای آنجبوب نمره اول ۱۷ ربیع الاول و ثانی دهم جمادی الاول و ثالث پنجم جمادی الثانی رسید رسیدن ارمغان بیان در حقیقه معانی آنچه در او مذکور مکرر قرائت شد نفحات محبت از او ساطع و فوحات خلوص از او در هبوب هر کلمه آن شاهده بود صادق و گواهی بود امین بر اقبال و توجه و خدمت حضرت امین و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقصد اعلی نموده امام وجه بعد از اذن عرض شد و باصغاء محبوب عالم فائز گشت هذا ما انزله الرحمن فی الجواب قول الرّبّ تعالی و تقدّس

انا المبین الحکیم

یا امین طوبی از برای کلمه‌ئی که در ایام الله باصغاء مقصود فائز گشت و طوبی از برای حرفیکه در محضر اقدسش حاضر شد و طوبی از برای لفظیکه در مدینه‌اش ظاهر گشت قل ان تعدّوا نعمه الله لا تحصوها ظاهر شد و ظاهر فرمود

1. ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف "ب" و "ه" و "الف" است که مجموع آنها کلمه "بها" را تشکیل میدهد.



آنچه را که از قلوب و عیون مستور بود راهش نمودار امرش پدیدار من غیر تعطیل و تعویق اشراقات انوار آفتاب عنایتش رسیده و میرسد سرج امر باشمش ظاهر و آیات عظمت بامرش نازل اوست قادر یگتا و گوینده یگتا حزب الله را از ذکور و اناث که در بلاد حق جلّ جلاله ساکنند یعنی مدائن ایمان و ایقان هر یک را تکبیر و سلام برسان و بانوار آفتاب بخشش الهی بشارت ده و بآثار قلم اعلی متذکر دار طوبی لک یا امین شهد قلبی الأعلی بآنک فزت بالحضور و اللقاء و المشاهدة و الاصفاء کن سخاباً للبلاد و نيسان العناية للعباد از حق میطلبیم حزب خود را بطراز انقطاع مزین فرماید بشأنیکه بتمام همت بر خدمت قیام نمایند و بهدایت من علی الأرض توجه کنند

بگو ای اهل عالم ندای مظلوم را بشنوید و بآنچه سزاوار است تمسک نمائید بر هر نفسی راه خدا معلوم و واضح بمثابه آفتاب نورش مشرق و اشراقش ظاهر هر نفسی بر خدمت قیام نماید ذرات عالم و اهل فردوس اعلی و جنت علیا از حق تأییدش را میطلبند و توفیقش را میخواهند بعنایت حق جلّ جلاله قدم را از مکان بردارید و بر لامکان گذارید و آن مقام انقطاع از کل و قیام بر خدمتست امروز نور ندا مینماید و طور بشارت میدهد اثمار میگوید یا اشجار روز شادیست و یوم فرح و سرور است چه که محبوب ظاهر و مشهود است عجب جذبی عالم را اخذ کرده و عجب شوری بین ملائع اعلی بساط ابتهاج بکمال انبساط مبسوط طوبی از برای لسانیکه بذکرش ذاکر و سمعیکه بترنمات اشیاء فائز ای صاحبان سمع اطیار فردوس اعلی در تغنی ای صاحبان بصر انوار اسم اعظم مشهود خود را محروم نممائید قدر ایام را بدانید قلم اعلی در لیلای و ایام بذکر حزب الله مشغول طوبی لهم و لهم حسن مآب و لله الأمر فی المبدء و المعاد انتهی الحمد لله فائز شد آنحباب بآنچه که امل مقربین و امل مخلصین بوده

اینکه در ذکر مخدّره مکرمه عمّه و بنت علیهما بهاء الله مرقوم داشتند و همچنین ذکر حاجیهای ارض کاف علیهم بهاء الله و ذکر ضیافت ورقه خدیجه سلطان علیها بهاء الله کل بشرف عرض امام حضور ربّ فائز و هر یک از لسان عظمت مذکور این نعمت عظیم است مقامش را بدانید چندی قبل حضرت اسم الله مه علیه منکّل بهاء ابهاه ذکر ضیافت نمودند و بعد از قبول عمل فرمودند در همان لیله ذکر ایشان از قلم اعلی جاری و ارسال شد

اینکه در باره جناب آقا سید فرج الله علیه بهاء الله و محبت و استقامت ایشان نوشته بودند بعد از عرض آفتاب عنایت از افق سماء فضل مشرق و از قبل هم حضرت اسم الله از جانب ایشان عمل نمود آنچه را که ذکر شده بود و اینکه در باره ابناء خلیل و وراث کلیم علیهم بهاء الله در ارض هاء و میم مرقوم داشتند در ایامیکه آنحباب بشرف حضور فائز بودند یک صحیفه مبارکه از سماء مشیت مخصوص ایشان نازل نظر بحکمت الی حین ارسال نشد و حال ارسال میشود از حق میطلبیم ایشانرا مؤید فرماید بر استقامت کبری چه که ناعقین و ناهقین کالجراد المنتشر در مدن و دیار متفرّق شده اند نسل الله ان یحفظ کلّ بفضل و جوده انه هو جواد کریم

اینکه مرقوم داشتند مکتوب اینعبد که تاریخ آن ۲۶ ربیع الاول بود رسیده و قبل آن نرسیده صورت آنچه ارسال شد موجود یازدهم ربیع الاول مکتوب اینعبد که مزین بود بآیات الهی مع عدد تسع ۹ اوراق وصول ارسال شده امید است که تا حال رسیده باشد

اینکه در باره حبیب روحانی جناب آقا یحیی علیه بهاء الله مرقوم داشتند هر صاحب بصر و انصافی اگر ملاقات نماید میگوید آنچه را که جناب آقا یحیی گفته ولكن نظر بحجبات نفس و هوی و حب ریاست و اختلاف و فتنه و نفاق

میگویند آنچه را که سبب اضلال خلق بیچاره است بمثابة مفتریات قبل که چند نفس غافل نظر بحب ریاست از حق گذشتند و بیانات موهومه عباد بیچاره را در پیدای حیرت و اختلاف و کذب مبتلا نمودند آنچه گفته اند جمیع کذب مثل ناحیه و جابلقا و جابلسا و امثال آن چنانچه بکرات اینفقرات در نامه های اولیا ذکر شده که شاید بعضی متنبه شوند و مره آخری باوهامات قبل مبتلا نگردند این ایام احمد کرمانی ابن ملا جعفر و آقا خان بجزیره رفته اند و با مطلع اوهام تدبیرات کرده اند و مراجعت نموده اند حال ملاحظه نمائید اگر آن نفوس فی الجمله منصف بودند و یا لله حرکت مینمودند باید باین ارض که از اول امر الی حین ندای حق بأعلی النداء مرتفعست بیایند به حاجیه از اهل کاف و راء علیها بهاء الله گفته اند که به عکا هم میآیم مع ذلک نیامده اند سبحان الله بخدعه و مکرری ظاهر شده اند که غیر از حق از احصای آن عاجز حق شاهد و اولیائش گواه که آن نفوس ابداً از اصل امر آگاه نبوده و نیستند باری درهم فی خوضهم یلعبون مقصود از تحریر اینکلمات اطلاع آنحبيب بوده لا غیر

در این حین تلقاء وجه حاضر و لسان عظمت باینکلمه ناطق قوله جلّ جلاله یا امین علیک بهائی لازال در نامه های تو که بعد حاضر ارسال نمودی ذکر اتحاد و اتفاق و الفت و محبت و وداد حزب الهی بوده مخصوص نفوسیکه مابین عباد اختصاص یافته اند و بشرف عنایت مخصوصه فائزند و لکن الی حین آنچه سزاوار است مشاهده نگشت زهی حسرت اگر بنصایح قلم اعلی لوجه الله منقطعاً عن ملهمات النفس و الهوی عمل مینمودند ارض غیر ارض و عباد غیر عباد مشاهده میگشت از حق میطلبیم و بطلب تا ظاهر شود آنچه که سزاوار است امروز انقطاع و تقوی معین و ناصر امرند طوبی لمن فاز بهما فاسئل الله ان یدهم بخود الذکر و یلهمهم ما ینبغی لهم فی ایام ربهم المبین العلیم الحکیم

یا محبوب فؤادی اینعبد در این حین از حزن جمال قدم بشائی محزون که فی الحقیقه عدم را بر وجود ترجیح دادم چه که حالتی مشاهده شد که لسان یارای ذکر و قلم یارای بیان ندارد و کفی بالله شهیدا و اینکه مرقوم داشتند دوستان الهی را در هر ارضی ملاقات نمایند بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس فرمودند امین علیه بهائی سبب تذکر عبادند و در جمیع احوال خیرخواه کل از حق میطلبیم او را تأیید فرماید انشاء الله در جمیع احوال بعزّ امر ناظر باشند ادای حقوق بر کل واجب و نفع آن بانفس عباد راجع و لکن قبول آن معلق است بروح و ریحان و رضای نفوس عادلّه عامله در اینصورت اخذ جایز و الا فلا ان ربک هو الغنی الحمید انتهى

اینکه در باره محبوب روحانی جناب عندلیب علیه بهاء الله و عنایته مرقوم داشتید لله الحمد موقتند بر خدمت امر حضرت محبوب فؤاد جناب سمندر علیه بهاء الله الابهی مکرر ذکر ایشانرا نموده اند و این ایام نظم و نثر ایشان در حضور عرض شد و ورقه نظم را التفات فرمودند باهل سرادق عصمت و عظمت ان ربنا هو الفضل الکرم بایشان بشارت بدهید لازال ذکر ایشان و تبلیغ ایشان و خدمت ایشان مذکور یسئل الخادم ربّه ان يؤیّده فیکلّ الأحوال

اینکه مراتب خلوص و محبت و اشتعال مخدّره ورقه ضلع مرفوع مرحوم آقا محمد جعفر علیهما بهاء الله و همچنین ذکر اشتعال جناب حاجی ابوالقاسم علیه بهاء الله و توجه ایشانرا مرقوم داشتند هنیئاً لهما الحمد لله بعنایت حق جلّ جلاله فائزند و مخصوص ذکرشان از لسان عظمت جاری کل را بعنایت الهی بشارت دهید اینعبد هم خدمت هریک سلام و تکبیر میرساند و از حق تعالی شأنه از برای هریک میطلبد آنچه را که باقی و پاینده است ذکر جناب آقا میرزا مهدی علیه بهاء الله و محبت و استقامت ایشانرا فرموده بودند و همچنین ذکر من معه الذی سمی باسمه الحمد لله این ایام در ساحت اقدس مذکورند و ذکر ایشان در آیاتیکه مخصوص حضرت محبوب فؤاد جناب ورقا علیه بهاء الله الابهی از سماء مشیت نازل

شده نازل و ارسال شد انشاء الله بآن فائز شده و میشوند و باشرافات انوار نیر بیان الهی مزین میگردند ان ربنا الرحمن هو المبین العليم و هو المشفق الکريم حسب الاستدعاى آنحبيب این خادم بنیابت زیارت فائز نسل الله تعالى ان يجعل حرف عملنا و آماننا کتاباً من عنده انه على کلشیء قدير

اینکه در دستخط دیگر آنحبيب ذکر ورود به راء و شین و ذکر اولیای آن ارض و اشتعال و استقامتشانرا در محبت الهی مرقوم داشتند بعد از عرض حضور مالک يوم النشور این آیات از مطلع عنایت اشراق نمود قوله تبارک و تعالى یا اولیائی فی الرأ و الشین اسمعوا نداء الله الملك الحق المبین انه لا اله الا انا الفرد الخبیر امروز اشیاء مترم و عنادل بیان بر اغصان سدره عرفان مغرد امروز هر یک از اشیاء محلی اختیار نموده و در آنجل بذكر حق جلّ جلاله مشغول از عرف آیات مالک اسماء و صفات و شوق ظهور مظهر بینات کل منجذب آیات سرور و ابتهاج کل را اخذ نموده ولكن معشر عباد اکثری غافل یا حزب الله اگرچه السن عالم از ذکر مالک قدم علی ما ینبغی عاجز و قاصر است ولكن چون کل را امر بذكر و ثنا فرموده لذا مقبول عنایت حق جلّ جلاله نسبت بشما بمثابة آفتاب روشن و منیر خلق فرمود تربیت نمود بصراط مستقیم راه داد و از کأس محبت قسمت عطا فرمود لعمر الله ملأ اعلی در جمیع احیان بذكر اهل بها مشغول یشهد بذلک لسان العظمة فی مقامه المحمود نسل الله ان یوفقکم و یؤیدکم علی ما امرتم به فی الکتاب و یمدکم بأسباب الأرض و السماء و یقرّبکم الیه و یوصیکم بالحبّة و الاتحاد و بالحکمة و البیان انه هو الأمر الحکیم کل بکمال اتحاد و اتفاق رفتار نمائید و حکمت را از دست مدهید فساد و نزاع مردود است یا حزب الله انصروا المظلوم بالأعمال و الأخلاق هذا ما نزل فی الواح شتی من لدی الله مولى الوری البهآء من لدنا علیکم و علی الذین ما منعهم ظلم العالم عن الله مولى الأمم انتهى

و همچنین ذکر سادات خمس علیهم بهآء الله را نمودند هذا ما نزل لهم من جبروت عنایة ربنا المشفق الکريم قول الربّ تعالى و تقدّس یا امین علیک بهائی لله الحمد سادات مذکوره علیهم بهائی مکرر باثار قلم اعلی فائز بشرهم بذكری فی هذا الحین انا ذکرنا الذین اقبلوا الی الله رب العالمین نسل الله ان یوفقهم و یکتب لهم ما ینفعهم فی الآخرة و الأولى انه هو السامع المجیب انتهى

و همچنین ذکر جناب آقا محمد حسین (ص) علیه بهآء الله را نمودند بعد از عرض این آیات از مطلع عنایت ربنا الرحمن نازل قوله تبارک و تعالى انا ذکرناه من قبل و من قبل قبل و ایدناه علی الاقبال الی الله الفرد الخبیر لازال در ساحت اقدس مذکور بوده و هستند این آیام لوحی مخصوص او نازل و بتوسط اسم الله مه ارسال شد بشره بعنایتی و فضلی و رحمتی انتهى فی الحقیقه ایشان در ایامیکه فارس تشریف داشتند بذكر ناطق بودند و بر خدمت قائم انه لا یضیع اجر المحسنین اینعبد هم خدمت ایشان سلام و ثنا میرساند و تکبیر عرض مینماید

ذكر ارض قاف و اولیای حق و ضیافتهای ایشان و همچنین ضیافت جناب حاجی محمد جواد علیهم بهآء الله را نمودند بعد از عرض در ساحت اقدس این بیان از ملکوت برهان نازل قوله تبارک و تعالى طوبی از برای نفوسیکه بخدمت اولیای الهی مشغولند لله الحمد اولیای ارض قاف هر یک بعنایت فائز و بانوار آفتاب استقامت منور کل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهم یا جواد علیک بهائی جناب امین ذکر شما را نموده از حق میطلبیم در جمیع احوال شما را تأیید فرماید و از اثمار ایقان اشجار بدیعه در ارض طیبه مبارکه برویاند و از آن اشجار اثمار دیگر و اوراق دیگر ظاهر فرماید اوست قادر و توانا لا اله الا هو العلیّ الأبهی یا جواد افرح بذكری ایاک و اقبالی الیک من شطر السّجن انه لا یعادل بذكری شیء من الأشياء یشهد بذلک من عنده ام الکتاب انتهى

اینکه در باره محبوب فؤاد حضرت حاجی میرزا حیدر علی علیه بهاء الله الأبهی مرقوم داشتند و همچنین مراتب خدمت و توکل و انقطاع و اشتغال و قیام و استقامت ایشانرا فی الحقیقه ایشان همان قسمند که آنجوب نوشته اند لله الحمد باخلاق طیبه مزینند و بر امر مستقیم و بنور منیر و بنار سدره مشتعل از حق تعالی شأنه از برای ایشان میطلبم آنچه را که از افق کتاب الهی محو نشود

اینکه ذکر شیخ محمد کرمانشاه نمودید او از معرضین بکار است بیچاره کورکورانه میدود از امور اطلاع ندارد آنچه از غافلین شنیده بآن تمسک جسته حاجی ابراهیم اهل قاف لیلأ و نهارأ با منافقین معاشر یا محبوب فؤادی استقامت بمثابه عنقا ذکرش موجود و هیکلش مفقود اکثری بهر ریخی متحرک از حق میطلبم بصر انصاف را بگشاید و راستی عطا فرماید بسیار حیف است این ایام عباد از بحر بیان محروم مانند الأمر بیده يفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید

اینکه در باره وجوهاتی که حواله شده بود ببعضی برسانند مرقوم داشتید فی الحقیقه این امورات هر یک بایست از برای خیرات مع ضیق و تنگی این ارض و مصارف لاتخصی آنچه برسد اراده حق جلّ جلاله آنکه بنفوس راضیه مرضیه برسد تا باستغنائی کامل بتعلیم و اصلاح و تهذیب قبائل مشغول شوند در این حین اینکلمه علیا از مطلع عنایت کبری نازل قوله تبارک و تعالی هر نفسی الیوم اراده نصرت امر نماید یعنی بتبلیغ مشغول شود باید اولأ بطراز انقطاع مزین گردد از حق میطلبیم کل را موفق فرماید بر آنچه لایق ایام اوست انتهی

اینکه در ذکر ورقه ثمره علیها بهاء الله مرقوم داشتید بعد از عرض در ساحت اقدس لسان عظمت باینکلمه مبارکه که ناطق قوله تبارک و تعالی یا امین علیک بهائی وجه هدهد علیها بهائی را امر نمودیم به ثمره برسد که او برساند چه که واسطه او بوده اما وجه میرزا محمد را مخصوص نوشتیم باید بدست خود او برسد اینفقره معلق بمشورت کسی نبوده آنچه از سماء مشیت نازل باید بآن تمسک نمایند تا مطابق امر مبرم الهی واقع شود مقصود آنکه اینفقره اشتها نیابد ستر این امور نزد حق محبوب بوده و هست انه هو السّتر یا مَرک بالسّتر الجلیل و هو الصّبر یا مَرک بالصّبر الجمیل انتهی

اینکه در باره برات معلوم مرقوم داشتند و همچنین رد آنرا که مصلحت ندیده اند بلی باید مدارا نمود سبحان الله عالم شاهد و گواه که در الواح الهی مطلب واضح و هویدا مع ذلک الی حین مقصود معلوم نه مکرر از لسان عظمت اینکلمه علیا استماع شد قوله جلّ جلاله یا عبد حاضر اینظهور از برای اصلاح عالم و الفت امم آمده که شاید بکوثر بیان که از قلم رحمن در کلّ احیان جاری نار ضغینه مکنونه در صدور بیفسرد و هیکل عالم از این مرض ادهم طاهر شود و شفا یابد و همچنین هنگامی دیگر اینکلمه مبارکه از لسان مبارک شنیده شد فرمودند لعمر الله اگر ضرر بر نفس حق وارد شود نزد مظلوم اولی و احسنست از آنکه بغیر واقع گردد مکرر امثال این بیان از لسان رحمن استماع شد و نفس کتب و زیر و الواح ناطق و مبین طوبی للناظرین میتوان بعضی معاذیر تمسک نمود که هم ایشان فارغ شوند و هم معین مطمئن این خادم فانی از حق جلّ جلاله سائل و آمل که مخدوم مکرم جناب سی را مؤید فرماید بر آنچه که خیر و صلاح کل در آنست اگر راضی شوند بآنچه که در حضور القا شده البتّه حق جلّ جلاله نصرت نماید و اعانت فرماید و این نصرت و اعانت باسباب ظاهره معلق نبوده و نیست بل مسئلت عبد است از حضرت باری جلّ جلاله و عمت نعمائه و احاط فضله و کرمه و ملاقات آنجوب با نفوسیکه ذکر نمودند جایز نه هر قدر از آن نفوس مستور باشید اولی و احبّست

و اینکه در باره جناب آقا علی حیدر علیه بهاء الله مرقوم داشتید ایشان لازال لدی الوجه مذکورند اجر عاملین در کتاب از قلم اعلی مسطور بعد از عرض ذکر ایشان امام عرش اینکلمه علیا از لسان مولی الوری ظاهر قوله تبارک و تعالی یا امین علیک بهائی جناب علی قبل حیدر بذکر حق فائز لازال حق اعانت فرموده و او را بخدمت امر فائز نموده آنچه در باره او و خدمتش و همچنین اشتعالش بنار محبت الهی ذکر نمودی صحیح و لکن مرقاة را پله بسیار است و عرفانرا مراتب لانهایه از حق میطلبیم در هر یوم بر او بیفزاید و تأیید نماید لیصل الی مقام تکنون اعماله کلها ذکراً واحداً و یجد منه المخلصون عرف عنایة الله رب العالمین البهاء من لدنا علیه و علی الذین ما غرّتهم الدنیا و ما منعهم عن التّقرب الی الغنی المتعال انتهى اینعبد فانهم خدمت ایشان تکبیر و سلام میرساند در لیالی و ایام مذکورند من کان لله کان الله له آنچه از ایشان مشهود است خدمت امر الهی است یشهد الخادم بما یری و الأمر بید الله مولی الوری

و اینکه ذکر احباء الله سیسان علیهم بهاء الله را فرمودند لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل و ارسال شد و همچنین لوح امة الله ضلع جناب آقا محمد قلی و یک صحیفه مبارکه مخصوص ابناء خلیل علیهم بهاء الله در ارض هاء و میم و همچنین اوراق وصول آنچه آنجوب نوشته اند و طلب نموده اند ارسال شد اولیا و دوستان الهی در هر ارض و بلد که ساکنند اینعبد خدمت هر یک سلام و تکبیر میرساند ربّ مطلوب و ایشان طالب ایشان سائل و حقّ مجیب لذا استدعا آنکه عباد خود را بنار محبت مشتعل فرماید و بنور معرفت منور اوست خداوند یگنا و المقتدر علی ما یشاء شاید از ذکر این خادم فانی متذکر شوند و به ما ینفعهم قیام نمایند السلام و الثناء و الذکر و التّکبیر و البهاء علی حضرتکم و علیهم و علی کلّ ثابت راسخ مستقیم و کلّ قائم ناطق مبین علیم و الحمد لله المقتدر العزیز الحکیم

خادم

فی شعبان المعظم سنة ۱۳۰۴